



۲۰۲۴/۰۳/۱۵



عبدالله آوا

افغانستان: مهد علم، ادب، هنر، فرهنگ، تمدن و عرفان است!

ابو علی سینا بلخی

پدر طب جهان و همه چیز دان



شاعر، نویسنده، طبیب، ریاضی‌دان، اخترشناس، فیزیک‌دان، شیمی‌دان، جغرافی‌دان، زمین‌شناس، منطق‌دان، فیلسوف، موسیقی‌دان و سیاستمدار.

حسین بن عبدالله بن علی بن سینا معروف به ابوعلی سینا، ابن سینا، پورسینا و ملقب به شیخ الرئیس، فیلسوف، طبیب و از بزرگترین دانشمندان مسلمان قرن چهارم و پنجم قمری که در پاره‌ای از علوم من جمله؛ طب، زیست‌شناسی، منطق و فلسفه از سرامدان تاریخ علم محسوب می‌شود. او از نوابغی است که در کودکی قرآن را حفظ کرده و در نوجوانی به بسیاری از علوم همانند ادبیات، هندسه، فقه، منطق، فلسفه، طب تسلط پیدا کرد. وی زندگی پرفراز و نشیبی داشته و به دلایلی مدتی به دنیای سیاست وارد شده و سمت وزارت را بر عهده گرفته و سفرهایی به شهرهای مختلف داشت و مدتی هم به زندان افتاده است. تالیفات زیادی از ابن سینا برجای مانده که کتاب الشفاء، القانون فی الطب، دانشنامه علایی، الاشارات و التنبيهات را می‌توان نام برد. ابن سینا، یکی از عزیزترین و محبوب‌ترین چهره‌ها در تمدن و فرهنگ افغانستان است و نام او نماد عقل محض و دانایی متعالی و علم متقن است. خواص و دانشوران، او را سرمشق و آموزگار بزرگ خود می‌دانند و عامه و اغلب مردمان دنیا تا بدانجا به عقل و حکمت و طب و علم او باور دارند که افسانه‌ها ساخته و اسم او را استعاره دانش و ادراک کامل و عالی قلمداد می‌کنند.

زندگینامه و آثار ابوعلی سینا بلخی:

ابوعلی حسین بن عبد الله بن سینا ملقب به شیخ الرئیس در سال ۳۷۰ هجری مطابق ۹۸۰ میلادی چشم بر جهان گشود. پدرش عبد الله از بلخ بود و مادرش از اهالی قریه ی افشنه در حوالی بلخ بود و ستاره نام داشت.

عبد الله پدر بو علی دوران جوانی اش را در زادگاهش بلخ باستان گذرانیده و سپس به بخارا رفت.

هنگامی که ابن سینا پنج سال داشت، نزد پدر که مردی فاضل بود حساب، ریاضیات، رو خوانی قرآن، صرف، نحو و زبان عربی می‌آموخت او از همان ابتدا بسیار باهوش بود و برای کسب دانش اشتیاق فراوانی داشت پس از چندی نیز به مکتب رفت که سر آمد هم مکتبی های خود بود.

او در ده سالگی قرآن را حفظ کرده و ادبیات، هندسه، ریاضیات، صرف، نحو، عربی را نیز میدانست، او به طبیعت و گیاهان و حیوانات علاقه خاصی داشت و اوقات فراغت را در دشت و صحرا به جستجو و کسب تجربه می‌پرداخته و بدین صورت از دوران کودکی به خواص گیاهان دارویی و طبابت علاقه مند شده است.

هنگامی که ابوعلی دوازده سال داشت به همراه خانواده در بخارا ، پایتخت سامانی می زیست و پدرش عبد الله نیز دارای شغل و منصب دیوانی بود .

عبد الله فرزند خویش را نزد استادی به نام عبد الله ناتلی فرستاد تا نزد او معلومات خود را تکمیل کند. پیش از آن هم ابوعلی علم فقه را از شخصی به نام اسماعیل زاهد فرا گرفته بود.

ابوعلی به حدی باهوش بود که گاهی در مطالب علمی وجوه تازه ای میافت به طوری که

باعث تعجب استاد خود می گشت. ناتلی نیز وی را تشویق به فراگیری علوم و دانش اندوزی میکرد و بدین گونه ابوعلی علم منطق را فرا گرفت و بعد به تکمیل ریاضیات پرداخت.

ابوعلی سینا برای تکمیل و ارتقای معلومات خود چاره ای جز مداومت و کوشش خویش نداشت او طبیعیات و الهیات را نزد خود خواند. او از تمامی کتابهایی که در دسترسش قرار میگرفت سود می جست و علم طب را نیز خود به وسیله کتابهای بزرگان و تجربیات عملی نزد خود فرا گرفت

ابوعلی در جوانی حکمت ماوراء الطبیعه را نیز آموخت و هر کتابی که در این زمینه به دستش می رسید مطالعه، تجزیه و تحلیل میکرد. روزی کتاب ما بعد الطبیعه ارسطو را به دست آورد و شروع به مطالعه آن کرد اما هر چه میخواند مفاهیم نهفته در آن را به دست نمی آورد و باز از ابتدا می خواند تا اینکه بیش از بیست بار آن کتاب را خواند اما هنوز مفهوم جملات کتاب را به درستی درک نمیکرد تا اینکه یک روز که از بازار بخارا عبور میکرد فروشنده ای راه او را گرفت و کتاب فرسوده ای را به وی فروخت. وقتی شروع به خواندن کتاب کرد متوجه شد که کتاب نوشته ابونصر فارابی و در مورد شرح اغراض ما بعید الطبیعه ارسطو است همان کتابی که هر چی ابوعلی در آن اندیشیده بود برایش مفهوم نشده بود.

در سال ۳۸۸ هنگامی که ابوعلی سینا هجده سال داشت نوح دوم بر بخارا حکومت میراند. روزی غلامان امیر به دنبال وی آمدند تا به همراهشان به معالجه ی امیر بروند.

ابو علی سینا نشانه ها و سابقه ی بیماری را که در امیر ظاهر شده بود از ابن خالد طبیب مخصوص دربار پرسید. معلوم شد که امیر از مدتی پیش دچار درد و سوزش شدید معده و حالت تهوع شده و نیز بخشی از بدنش لمس گشته. ابو علی از روی عوارض بیماری به بیماری امیر پی برد و با بررسی ظروف مخصوص خوراک امیر بیماری او را مسمومیت ناشی از سرب اعلام کرد و اقدام به درمان بیماری امیر کرد.

ابوعلی در قبال معالجه امیر از وی خواست اجازه ورود و استفاده ازادانه از کتابخانه سلطنتی بخارا را کرد. چرا که تنها شاهزادگان و بزرگان حق استفاده از آن را داشتند و نوح ابن منصور نیز موافقت کرد.

این واقعه که در هجده سالگی ابوعلی سینا اتفاق افتاد فصل تازه ایی در علم اندوزی و کسب دانش برای وی گشوده شد. چون که کتابخانه بخارا یکی از کاملترین کتابخانه های آن روزگار به شمار میرفت و از اکثر کتابهای قدیمی و کمیاب یک نسخه در آن موجود بود.

روزی که ابن سینا به کتابخانه سلطنتی پا گذاشت، شادی اش از دیدن کتابهای گوناگون موجود در آن بی حد و حصر بود. ابوعلی با حرص و ولع همه آنها را از نظر گذرانید و در طول سه سالی که ابوعلی در آن کتابخانه بود و به گفته یکی از شاگردانش دوره طلایی برای تکامل وی محسوب می شد را گذراند و معلوماتش را در فقه عمیق تر کند. همچنین در مورد ادبیات و موسیقی و زوایای مختلف آنها به تجربه و تحقیق پرداخت. او توانست بر روی نقشه های نجومی منجمان گذشته نیز کار کند.

ابوعلی در سن بیست سالگی شروع به نوشتن کرد و مجموعه ای در ده جلد به نام حاصل و محصول را به رشته ی تحریر در آورد و بعد از آن کتابی در باب اخلاق با عنوان البر و الائم بی گناهی و گناه نوشت، به ترتیب نوشته ی بعدی وی کتابی در باب فلسفه به نام حکمت عروضی در بیست و یک جلد می باشد.

هنگامی که ابوعلی سینا بیست و یک سال داشت. روزی در کتابخانه مشغول مطالعه بود که متوجه حریق در قسمتی از کتابخانه شد. سعی ابوعلی و نگهبانان برای خاموش کردن آتش بی فایده بود و کتابها طعمه ی فوران شعله های آتش شد. بعد از آتش سوزی که به روایاتی عمدی و توسط دشمنان ابوعلی در دربار صورت گرفته بود در شهر شایعه کردند که خود بوعلی کتابخانه را آتش زده که این موضوع بر امیر نیز اثر کرد و سبب شد تا از ورود ابوعلی به شفاخانه جلوگیری کند. در همین حال پدر بوعلی نیز درگذشت و سبب شد تا بوعلی تصمیم به سفر گیرد و با دوست خود ابوسهل مسیحی در سال ۳۹۱ ترک دیار کرد و راهی مقصدی نا معلوم شد.

ابوعلی سینا پس از ترک بخارا و گذشت نزدیک به یک ماه در یکی از استراحتگاه های میان راه با مردی به نام منصور بن عراق برخورد کرد کسی که خود از نجیب زادگان و اندیشمندان دربار خوارزم بود و ابن سینا را به دربار خوارزم دعوت کرد. در آن زمان درباریان خوارزم تمامی دانشمندان و فرزندان را به دربار خود دعوت میکردند و سبب این امر وزیر فاضل ابن مامون ابوالحسن احمد بن سهیلی بود که دانشمندان را در دربار خوارزم جمع میکرد.

مرکز حکومت ابن مامون خوارزمشاه، شهر گرگانج در ساحل رود جیحون بود. در دربار خوارزمشاهیان ابوعلی سینا و ابوسهل به گرمی استقبال شدند، و خود سهیلی وزیر خوارزمشاه به پیشواز ایشان آمد. پس از مدتی استراحت با امیر ابن مامون دیدار کردند و او نیز به ایشان خوش آمد گفت.

ابو علی برای مدتی نزدیک به سیزده سال در گرگانج ماند و در طول این مدت وقت خود را به تدریس، تحریر و معالجه بیماران گذراند. وی در این مدت کتابها و رسالات زیادی به رشته ی تحریر در آورد که از جمله آنها میتوان رساله ای در مورد نبض به زبان دری-فارسی، رساله ای در مورد بیهودگی پیش بینی آینده بر اساس حرکت ستارگان به زبان عربی و قصیده ای در مورد منطق، کتابی در باب فلسفه به نام بقاء النفس الناطقه و رساله ای در باب افسردگی با نام حزن الاسبابه و آثار بسیار دیگر نوشت

در این سالها ابوسهل همواره همراه بوعلی بود و دوستی بسیار نزدیکی بین آنها پدید آمده بود. یک روز فرستاده ای از سلطان محمود غزنوی خبر داد که خوارزمشاه باید تمامی دانشمندان خود را نزد او به پایتخت غزنویان روانه کند در این زمان بوعلی بر خلاف دیگر دانشمندان به غزنین نرفت و بعد از سیزده سال اقامت در گرگانج در زمستان سال 392 به همراه دوست خود ابوسهل مسیحی شبانه از گرگانج گریخت. سلطان محمود از نیامدن ابن سینا ناراحت شده و دستور میدهد تصاویر زیادی از وی کشیده برای فرمانروایان بفرستند و برای دستگیری و تحویل او جایزه بزرگی تعیین کرد.

ابو علی سینا ابتدا برای دیدن مادر خود راهی شهر بخارا میشود. اما به زودی ماموران از برگشتن وی باخبر میشوند و او دوباره مجبور به فرار میشود. و این بار همراه دوست خویش ابوسهل راهی گرگان نزد سلطان قابوس بن وشمگیر میشود. در بین راه بر اثر طوفان شن دوست و همراه خود ابوسهل را از دست میدهد.

ابوعلی سینا بعد از طی مراحل سخت وارد گرگان میشود که باخبر میشود سلطان قابوس توسط سپاهیان کشته شده است. ابوعلی سینا هنگام ورود به شهر مورد لطف و احترام زرین گیس دختر سلطان قابوس که مانند پدر دوستدار فضلا بود قرار گرفت.

ابن سینا که اوایل سال ۳۹۲ به گرگان رسیده بود در منزل شخصی به نام ابو محمد شیرازی سکنا گزید و در این دوران بود که ابو عبیداله جوزجانی یکی از دانشجویان مستعد ابن سینا به خدمت او درآمد و تا پایان عمر ابوعلی سینا در خدمت او ماند. او به مدت یک سال در خانه ابو محمد ماند. و مطالبی را به ابو عبید جوزجانی میگفت و او مینوشت از جمله الادویة القلبیه، دارویی برای قلب، امروزه فی الطب و قصیده ای در باب طب و در همینجا بود که فکر تالیف کتابی به نام قانون در مورد طب در ذهن ابوعلی پیریزی شد.

ابوعلی در سال ۳۹۳ عازم ری شد در این زمان پادشاهان آل بویه در نواحی شمالی و مرکزی پارس یا ایران امروز سلطنت میکردند. ابن سینا به درخواست سیده خاتون، زن فخر الدوله پادشاه آل بویه برای درمان فرزندش به ری رفت و پس از درمان مجدالدوله که صرع داشت ریاست و سرپرستی شفاخانه ی ری را پذیرفت.

در سال ۳۹۴ ابوعلی به خدمت شمس الدوله در آمد، شمس الدوله که از بیماری قولنج رنج میبرد و پزشکان بیماری وی را تشخیص نمیدادند توسط ابوعلی بهبود یافت و ابوعلی سمت طبیب مخصوص امیر را گرفت و بعد از چند ماه به سمت وزارت شمس الدوله منصوب گشت.

در طی سالهایی که در همدان گذرانید نوشتن کتاب قانون در سال ۳۹۸ به پایان رسید. او در این دوران تعداد قابل توجهی کتاب و رساله نوشت. روزها را صرف تدریس و طبابت در شفاخانه و رسیدگی به امور سیاست و شبها را صرف تحریر و تالیف کتاب و بعضاً بحث و شب نشینی با اندیشمندان همدان میکرد.

در چهارمین سال وزارت قانونی برای کم کردن جیره غلامان و سپاهیان تدوین کرد که سبب شد سپاهیان علیه وی شورش کنند. شمس الدوله برای راضی کردن سپاهیان ابوعلی را به خانه شخصی به نام شیخ سعید ابن دخدوک تبعید کرد و فرمان او را پیش چشم سپاهیان سوزاند. در دوران تبعید بود که ابوعلی کتاب شفا در مورد فلسفه و نکات مثبت نظریات ارسطو نوشت.

بعد از مدتی بیماری امیر وخیم شد و ابوعلی را نزد وی آوردند و ابوعلی سمت وزارت خود را از سر گرفت. در همین ایام نامه ای از ابو ریحان بیرونی دریافت کرد که حاوی ده سوال بود که جواب آنها را در رساله ای به نام الاجویه عن مسائل ابوریحان بیرونی نوشت.

بعد از مرگ شمس الدوله ابوعلی سینا با علاء الدوله دای شمس الدوله که حاکم اصفهان بود مکاتبه کرد و خواستار حضور در دربار وی شد که بعد از باخبر شدن سماء الدوله جانشین شمس الدوله، به جرم خیانت او را در زندان دژ فرد جان در ناحیه فرهان زندانی کرد. ابوعلی کار نوشتن را در زندان نیز ادامه داد در سال ۴۰۲ علاء الدوله به همدان حمله کرد ولی موفق به گرفتن دژ فرد جان نشد. بعد از آن سماء الدوله ابن سینا را مورد عفو قرار داد و او را به همدان بازگرداند. ولی ابوعلی ماندن در همان راه صلاح ندانست و از همدان گریخت و راه اصفهان را در پیش گرفت

او در مدت زندان کتابهای الهدای الحکمت، راهنمای عقل و کتابی دیگر با نام حی بن یقظان - زنده بیدار - را به پایان رساند و رساله ای در باب قولنج و بیماری قلبی به رشته تحریر در آورد در سال ۴۰۳ ابو علی به اصفهان وارد شد و به عنوان یکی از نزدیکان علاء الدوله در آمد.

ابوعلی سینا در اصفهان کتاب شفا را به پایان رساند. و بعد در سال های آخر عمر تمامی تجربیات خود در زمینه ی طب را در کتاب قانون نوشت و کتاب ارزشمند خود را کامل کرد

در ماه میزان سال ۴۱۵ خبر حمله مسعود پسر سلطان محمود غزنوی به اصفهان رسید در همین هنگام علاء الدوله با سپاهیان خود از اصفهان خارج شد. ابو علی نیز به همراه علاء الدوله از اصفهان خارج شد ولی کتابهایش در اصفهان ماند که مورد تاراج غارتگران ترک قرار گرفت و بسیاری از آنها از بین رفت یا به غزنه منتقل شد

علاء الدوله به سمت همدان حرکت کرد در این سفر ابوعلی به قلنج مبتلا شد که جوزجانی به کمکش آمد ولی بوعلی برای آنکه زودتر بهبود یابد میزان دارو را افزایش داد که سبب از بین رفتن قوای جسمی او گشت او در این زمان کتابی در مورد اثبات خدا با نام حکمت المشرقین - فلسفه شرقی- که تقریباً نوعی وصیت نامه بود نوشت.

بعد از چندی بیماری ابن سینا شدت گرفت وی که چندین بار بر این بیماری در بدن دیگران غلبه کرده بود نتوانست این بیماری را در خود درمان کند و در هشتم آبان ماه ۴۱۵ در شهر همدان رخت از جهان فانی بر بست و او را در همان شهر به خاک سپردند .

آثار ابن سینا:

به دلیل آنکه در آن عصر، عربی زبان رایج آثار علمی بود، ابن سینا و سایر دانشمندان دری-فارسی زبان که در آن روزگار می‌زیستند کتابهای خود را به زبان عربی نوشته اند. که بعدها آثار شان به زبانهای دیگر نیز ترجمه شده است.

افزون بر این، ابن سینا در ادبیات نیز دستی قوی داشته‌است. بیش از ۲۰ اثر دری-فارسی به او منسوب است که از میان آن‌ها انتساب دانشنامه علائی و رساله نبض بدو مسلم است. آثار دری-فارسی ابن سینا، مانند سایر نثرهای علمی زمان وی، با رعایت ایجاز و اختصار کامل نوشته شده‌است.

آثار فراوانی از ابن سینا به جا مانده و یا به او نسبت داده شده که فهرست جامعی از آن‌ها در فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا آورده شده‌است. این فهرست شامل شامل ۱۳۱ نوشته اصیل از ابن سینا و ۱۱۱ اثر منسوب به او است.

از مصنفات او:

کتاب المجموع در يك جلد، کتاب الحاصل و المحصول در بیست جلد، کتاب البرّ و الاثم، در دو جلد، کتاب الشفاء، در هجده جلد، کتاب القانون فی الطب، در هجده جلد، کتاب الارصاد الکلیه، در يك جلد، کتاب الانصاف، در بیست جلد، کتاب النجاه، در سه جلد، کتاب الهدایه، در يك جلد، کتاب الاشارات، در يك جلد، کتاب المختصر الاوسط، در يك جلد، کتاب العلائی، در يك جلد، کتاب القولنج، در يك جلد، کتاب لسان العرب فی اللغه، در ده جلد، کتاب الادویه القلبیه، در يك جلد، کتاب الموجز، در يك جلد، کتاب بعض الحکمة المشرقیه، در يك جلد، کتاب بیان ذوات الجهه، در يك جلد، کتاب المعاد، در يك جلد، کتاب المبدأ و المعاد، در يك جلد.

رساله ها:

د پانو شمیره: له 7 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

رسالة القضاء و القدر، رسالة فى الآلة الرصدية، رسالة عرض قاطيغورياس، رسالة المنطق بالشعر، قصائد فى العظة و الحكمة، رسالة فى نعوت المواضع الجدليه، رسالة فى اختصار اقليدس، رسالة فى مختصر النبض به زبان فارسى، رسالة فى الحدود، رسالة فى الاجرام السماوية، كتاب الاشارة فى علم المنطق، كتاب اقسام الحكمة، كتاب النهايه، كتاب عهد كتبه لنفسه، كتاب حىّ بن يقطان، كتاب فى انّ ابعاد الجسم ذاتية له، كتاب خطب، كتاب عيون الحكمة، كتاب فى انّه لا يجوز ان يكون شىء واحد جوهرىا و عرضيا، كتاب انّ علم زيد غير علم عمرو، رسائل اخوانيه و سلطانيه و مسائل جرت بينه و بين بعض العلماء.

فلسفه

*شفا

*نجات

*الاشارات و التنبيهات

*حى بن يقطان

رياضيات

*زاويه

*اقليدس

*الارتماطيقى

*علم هيئت

*المجسطى

*جامع البدايع

طبيعت

*ابطال احكام النجوم

*الاجرام العلوية و اسباب البرق و الرعد

*فضا

*النبات و الحيوان

د پانو شميره: له 8 تر 12

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارى ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادونه: دليکنې د ليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ

طب

*قانون

*الادوية القلبية

*دفع المضار الكلوية عن الابدان الانسانية

*قولنج

*سياسة البدن وفضائل الشراب

*تشريح الاعضا

*الفصد

*الاغذية والادوية

کتاب قانون یک دایره المعارف طبی است که در آن تمام مبانی اصلی طب سنتی مورد بحث قرار گرفته است .

مانند: مبانی تشریح آناتومی مبانی علامت شناسی سمیولوژی داروشناسی و دوا سازی و نسخه نویسی فارماکولوژی و غیره.

کتاب قانون در سال ۱۳۶۰ توسط مرحوم شرفکندی هزار از زبان عربی به زبان دری-فارسی امروزی ترجمه شد و توسط انتشارات سروش منتشر گردید.

و تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است .

کتاب قانون در پوهنتون-دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی تا دو قرن پیش مورد استفاده طبیبان بوده و به اکثر زبانهای دنیا ترجمه شده است .

و دومین کتاب است که بیشترین چاپ را داشته است.

افلاطون مغز و قلب و کبد را از اعضای حیاتی بدن انسان ذکر کرده بود و لذا این اعضا را مثلث افلاطون تریگونوم پلاطوم مینامیدند.

ابن سینا اعلام نمود که دوام و بقای نسل انسان وابسته به دستگاه تولید مثل است و لذا جمع چهار عضو مذکور را مربع ابن سینا کوادرانگولا اویسینا نامیدند .

وی همچنین علاقه مند به تاثیرات اندیشه بر جسم بود و آثاری نیز در باب روانشناسی دارد.

د پانو شمیره: له 9 تر 12

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په څیر و لولئ

گلچینی از دُر گفته های ناب استاد سخن و پدر طب جهان ابن سینا بلخی:

دل گر چه در این بادیه بسیار شتافت
یک موی ندانست ولی موی شکافت
اندر دل من هزار خورشید بتافت
آخر به کمال ذره ای راه نیافت
کفر چو منی گزاف و آسان نبود
محکتر از ایمان من ایمان نبود
در دهر چو من یکی و آن هم کافر
پس در همه دهر یک مسلمان نبود
تا باده عشق در قدح ریخته اند
و اندر پی عشق عاشق انگیزته اند
با جان و روان بوعلی مهر علی
چون شیر و شکر به هم بر آمیخته اند
بر صفحه چهرها خط لم یزلی
معکوس نوشته است نام دو علی
یک لام و دو عین با دو یای معکوس
از حاجب و عین و الف با خط جلی
روزی چند در جهان بودم
بر سر خاک باد پیمودم
ساعتی لطف و لحظه‌ای در قهر

د پانو شمیره: له 10 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

جان پاکیزه را بیالودم
باخرد را به طبع، کردم هجو
بیخرد را به طمع بستودم
آتشی برافروختم از دل
و آب دیده ازو بیالودم
با هواهای حرص شیطانی
ساعتی شادمان بنغودم
آخرالعمر چون سرآمد کار
رفتم تخم کشته بدرودم
گوهرم باز شد به گوهر خویش
من از این خستگی بیالودم
کس نداند که من کجا رفتم
خود ندانم که من کجا بودم

دل گرچه درین بادیه بسیار شتافت
یکموی ندانست ولی موی شکافت
اندر دل من هزارخورشید بتافت
آخر به کمال ذره‌ای راهنیافت

اگر برای یک اشتباه هزار دلیل بیاورید

در واقع هزار و یک اشتباه از شما سرزده است.

هیچ چیز بر صحت انسان بیشتر از آن صدمه نمی زند

که غذا بر روی غذا تناول نماید

د پانو شمیره: له 11 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ

حقیقت را از زبان سه گروه می توان شنید

عارفان ، سالکان ، عاشقان

بهترین ورزش در هر سن و سال ،

راه رفتن است

نیک بخت ترین مردم کسی است که

کردار را به سخاوت بیاراید و گفتار به راستی

هر کس عادت کند که

به هر دلیل هر حرفی را باور کند

از صورت انسانی خارج می شود.

تعصب در دانش و فلسفه

مانند هر تعصب دیگر

نشانه خامی و بی مایگی

کسی که به تمرین های بدنی میپردازد

به هیچ دارویی نیاز ندارد

درمان او در جنبش و حرکت است.

هر که دنیا خواهد ، دانش آموزد

و هر که آخرت خواهد در عمل کوشد.

این نوشته در باره ابن سینای بلخی منتشره انجمن ادبی، فرهنگی و آموزشی چهار باغ ادبیات شعرین
میباشد.

د پانو شمیره: له 12 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ